

علامه قزوینی؛

اعجوبه تحقیق و اسوه حسنه خدمت به فرهنگ و ادب ایران



به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، علامه محمد قزوینی، از محققین و مصححین بزرگ چند قرن اخیر ایران است، که کمتر نظیری داشته است. قزوینی که به گفته برخی از صاحب نظران پدر تصحیح به روش علمی و کتابشناسی در ایران لقب گرفته است؛ در تصحیح متون کلاسیک تحولی شگرف ایجاد کرده است و تصحیح *مرزبان نامه*، *تاریخ جهانگشای جوینی*، *دیوان حافظ*، *چهار مقاله نظامی عروضی* و دیگر آثار توسط او، راه جدیدی در تصحیح متون باز کرده که ادامه این مسیر تصحیحات متون کلاسیک فارسی دیگر را به دنبال داشته است. قزوینی بیش از نیمی از عمر خود را به پژوهش و تحقیق برای ادب و فرهنگ ایران گذرانده است. تحقیقاتی که در نوع خود کم نظیر بوده و به همین سبب نام علامه قزوینی را در تاریخ ادب و فرهنگ معاصر ایران به بزرگی به یادگار گذاشته است. در هفتادمین سالروز درگذشت این ادیب معاصر ایرانی، گفت‌وگویی با **میلاد عظیمی**، پژوهشگر و ایران‌شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه تهران داشتیم که شرح آن را در ادامه می‌خوانیم.

برخی صاحب نظران به علامه محمد قزوینی لقب پدر علم کتابشناسی نوین داده‌اند، به نظر شما چه چیزی باعث نسبت این لقب به قزوینی است؟

الآن یادم نیست که چه کسانی به قزوینی گفته‌اند پدر علم کتابشناسی نوین ایران. بی شک قزوینی فردی کتاب‌دوست و کتاب‌شناس بود. خودش یک کتابخانه شخصی ارزشمند داشت که در کتابخانه دانشکده ادبیات تهران محفوظ است. قزوینی که درگذشت مجتبی مینوی در رادیو لندن گفت قزوینی که از دست رفت کتابخانه اش را برای ملت ایران حفظ کنید. قزوینی برای کتابخانه اش فهرست‌های بسیار نفیسی تهیه کرده بود که دستنویس آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران است. این فهرست‌ها به همت دکتر جواد بشری در حال چاپ است و تا آنجا که بنده خیر دارم، یک جلد آن به دست نشر تک برگ به چاپ رسیده است. این فهرست شخصی پر از فوائد کتابشناسی است. تا آنجا که کتاب‌های کتابخانه اش را دیده ام، در آنها هم یادداشت‌های مفید کتابشناسی هست. از آن مه متر در مقدمه کتاب‌هایش، یادداشت‌های درخشان و مقالاتش بسیار فوائد کتابشناسی هست. قزوینی درباره معرفی و معرفت کتاب‌ها، شناختن مولف‌ها و این قبیل مسائل بسیار دقت داشت؛ شاید از این بابت است که می‌گویند برخی به او این لقب را داده‌اند. مقالاتش در معرفی کتابهایی که عکسشان را تهیه کرد، از نمونه‌های درخشان معرفی عمیق و دقیق کتاب است. دقت و غور قزوینی و آن مراجعه‌ای که به همه مظان برای شناخت یک کتاب داشت، در این مقالات

مشهود است. این نوشته ها واقعاً الگو و نمونه در دقت و تتبع و توجه بود. اصلاً هر کاری که علامه قزوینی انجام داده، درجه یک و تراز اول است. اما خب قزوینی کتاب مستقلى که امروزه بر آن نام کتابشناسى مى گذارند تأليف نکرد. اينکه یک کتابشناسى نوشته باشد، چنین چیزی نیست. در همان مقالات و کتاب‌هایی که داشت، نمونه‌های بسیار درخشانی را نشان داده، که دیگران از آن سرمشق گرفته‌اند.

نظر شما درباره نقش قزوینی در شروع و پیشبرد کار تصحیح متون کلاسیک چیست؟ چون تا قبل از قزوینی کار متون کلاسیک را به شیوه امروزی نداشتیم.

تا قبل از علامه قزوینی خیلی بحث تصحیح انتقادی متون در ایران مطرح نبود. البته آقای دکتر امیدسالار خیلی با این سخن موافق نیستند و در این موضوع رساله نوشته‌اند. می‌توان گفت قزوینی سرسلسله و پیشاهنگ جریان تصحیح انتقادی متن در ایران است. اصول این نوع کار روی متن و احیاء علمی و انتقادی آن را قزوینی از فرنگی‌ها آموخته است و آثارش از نمونه‌های فرنگی هم عمیق تر و موفق تر است.

قزوینی پیشوای اهل تصحیح و رب‌النوع تصحیح انتقادی متون در ایران است. دستاورد او در «مرزبان‌نامه»، «چهار مقاله»، «تاریخ جهانگشای جوینی»، «مقدمه شاهنامه ابومنصوری» حیرت آور است. بخصوص اگر امکانات محدود آن عصر را در نظر داشته باشیم. نه این همه کتاب و منابع تحقیق و نسخه خطی آسان یاب بود و نه نرم افزارها و جستجوگرهای دیجیتال در یک چشم به هم زدن حاصل یک سال تتبع قزوینی و فروزانفر و مینوی را در اختیار محقق می گذاشتند. در تصحیح انتقادی و احیاء متون علامه قزوینی الگویی برای دیگران بوده و دیگران از او یاد گرفته‌اند. یعنی هر کسی که این‌کاره شد، بهار و اقبال و مینوی و بهمنیار و فروزانفر، روش کار را از قزوینی یاد گرفتند و کم و زیاد به راه او رفتند.

قزوینی شاید بیشتر از هر دانشمندی در معرفی تصحیح انتقادی متون به جامعه آن روز ایران تاثیر داشته است. هم فضل تقدم داشت و هم تقدم فضل. آثارش شد سقف آرزوهای مصححان. همه تلاش می‌کردند به او برسند. دقت و وسواس و تتبع و کوشایی او درمراجعه به منابع مختلف خیلی حیرت آور بود. دانشمندانی که چشم و چراغ ادب و تحقیق عصر بودند؛ آدم‌هایی مثل فروزانفر و عباس اقبال درباره کلمه به کلمه تحقیقات قزوینی در «چهارمقاله» او، مباحثات علمی جدی داشتند. در واقع قبل از قزوینی، کسی به این شیوه و با این نوع و اندازه دقت به کار تحقیق تاریخی و تصحیح متن نپرداخته بود. البته در فرهنگ ما ابوریحان بیرونی آدم فوق‌العاده دقیقی بود ولی قزوینی در روزگار خودش سرآمد و عجیب بود. این روش تحقیق و تتبع را قزوینی از فرنگی‌ها یاد گرفته بود. قزوینی مایه عمیق و وسیعی از دانش سنتی داشت و زمانی که به اروپا رفت، روش تحقیق آن‌ها را دید و آموخت. قزوینی با نگاه انتقادی به استادان غربی نگاه می‌کرد. خودباخته نبود. عیوب آنها را می‌دید. کارش را بسیار خوب آموخت. تا جایی که کارش از خیلی از فرنگیان بهتر است زیرا قزوینی تتبع و اشراف بر منابع و دقت و روش عقلانی تحقیق فرنگی‌ها را داشت، ولی آن‌ها به اندازه قزوینی سواد عربی و فارسی نداشتند. خیلی از مستشرقان نامدار به قزوینی مراجعه علمی می‌کردند. او نزد مستشرقان بسیار معتبر بود. پس قزوینی روش کار را از اروپایی‌ها یاد گرفته بود. به منابع و کتابخانه‌های آن‌ها دسترسی پیدا کرده بود، اما مایه علم را از آن‌ها بیشتر داشت. یعنی در احاطه به زبان عربی و فارسی و شم‌زبانی قزوینی بر آن‌ها برتری داشت.

جایگاه قزوینی را در تصحیح متون چگونه می‌بینید و آیا پس از او روش او در تصحیح و پژوهش پی گرفته شده یا خیر؟

مطمئناً روش علمی قزوینی، که مبتنی بر دقت زیاد و دیدن منابع فراوان بوده، از سوی محققان پی گرفته شده است. تحقیقات قزوینی‌وار، پژوهش‌های ادبی و تاریخی قزوینی وار و قزوینی پسند داشته ایم. از نسل‌های گذشته تا نسل‌های جوان‌تر، مقالات و رساله‌هایی می‌بینیم که اگر قزوینی آن‌ها را می‌دید، احسنت می‌گفت. بنابراین میراث قزوینی بارور و مستمر و مستدام

است.

این‌طور که از صحبت‌های شما برمی‌آید، دقت مهم‌ترین ویژگی کار علامه قزوینی بوده است؛ به نظر شما چه ویژگی‌های دیگری در کار قزوینی مشهور و برجسته است؟

دقت، وسواس، جست‌وجوگری، سیرنشدن از تحقیق و پژوهش، از ویژگی‌های بارز کار قزوینی است. این به این معنی نیست که کار او خالی از عیب و ایراد است؛ ولی نسبت به آن زمان کارهایش شاهکار و بی‌نظیر است. در زمانه ما خیلی از نسخه‌ها در اینترنت موجود است و هر کدام از ما یک هارد دارد، که به اندازه صدها هزار صفحه کتاب در آن جا می‌شود و همیشه همراه فرد است؛ یا موتورهای جست‌وجویی وجود دارد که شعری را که قزوینی طی دو سال در کتابخانه‌های پاریس به دنبال آن می‌گشت را الان طی دو دقیقه برای ما جست‌وجو می‌کند؛ ولی این مسئله چیزی از ارزش کار قزوینی کم نمی‌کند. یعنی با توجه به امکانات و دقت آن زمان، کار قزوینی فوق‌العاده است. دقت و تتبع و همت عالی او در روزگار ما هم کم مثل و مانند است.

البته فقط دقت او زبانزد نیست، بلکه همان‌طور که اشاره کردم، سیر نشدن از جست‌وجو، این که هر لحظه حاضر بود خود را نقد کند، نظرش را به محک تردید و جست‌جوی تازه بزند؛ خود را بشکند و برای رسیدن به حقیقت تردید عالمانه کند، از ویژگی‌های برجسته قزوینی است. قزوینی حقیقتاً محقق بود و کشف حقیقت آرام و قرارش را می‌ربود. عطشی در جان او بود که او را به طلب حقیقت سوق می‌داد. وقتی می‌دید عده‌ای در طلب حقیقت سهل‌گیر هستند و دقت نمی‌کنند، عصبانی می‌شد. حتی به خودش هم رحم نداشت و از خودش هم انتقاد می‌کرد. اصلاً یک اهمیت قزوینی این است که فقط منتقد دیگران نبود بلکه منتقد خودش هم بود. قزوینی از اینکه بگوید اشتباه کرده، ابایی نداشت چون یک محقق درجه یک بود. بنابراین او را نمی‌توان در دقت خلاصه کرد، بلکه دقت، وسواس، عطش کشف حقیقت، تبحر در روش‌های تحقیق، عقلانیت در تحقیق و مراجعه و معرفت منابع تحقیق همگی از او یک دانشمند و محقق درجه یک ساخته بود.

سفر و سکونت او در کشورهای اروپایی و استفاده از کتابخانه‌های آنجا چقدر در شکل‌گیری شخصیتی که امروزه از علامه قزوینی می‌شناسیم، تاثیر گذار بوده است؟

اگر او به اروپا نمی‌رفت هیچ وقت این قزوینی که می‌شناسیم، نمی‌شد. یعنی قزوینی با رفتن به اروپا قزوینی شد. کتابخانه‌های آنها را دید با مستشرقان آشنا شد. زبان آموخت و تتبعات مستشرقان را دید. در اروپا قزوینی قزوینی شد.

به عنوان سخن پایانی هم اگر بحث یا نکته‌ای در رابطه با علامه قزوینی قابل ذکر می‌دانید، بفرمایید.

به نظر من علامه قزوینی یکی از بزرگترین شخصیت‌های ایران معاصر است. یعنی اگر چند ایرانی بزرگ در این قرنهای اخیر در همه رشته‌ها و عرصه‌ها از سیاست و هنر گرفته تا ادب و... انتخاب کنیم، علامه محمد قزوینی یکی از برجسته‌ترین و موثرترین‌ها است. او هم از حیث تحقیق رو علم حیرت‌آور است، هم از این لحاظ که برای خیلی‌ها آموزگار بوده است. او مایه مباهات ایران و ایرانی است.

در نامه‌های قزوینی به فروغی نکاتی هست که نشان می‌دهد قزوینی تحقیقات ماندگارش را زمانی انجام و سامان می‌داد که در بدترین شرایط مالی بوده و زمانه بر او سخت می‌گرفته است. خیلی سخت؛ این آموزنده است؛ به این معنا که می‌آموزد غم زمانه برای کسی عطش و شوق تحقیق دارد مانع نیست. این اعجوبه تحقیق، اسوه حسنه خدمت به فرهنگ و ادب ایران، در شرایط بسیار دشوار است. قزوینی فقط پیشوای آموختن روش تحقیق نوین به محققان ایرانی نیست، بلکه آموزگاری است که به ما

می‌آموزد اگر روزگار بر ما سخت گرفت، یا زندگی سخت شد، با این‌همه نباید دست از طلب برداشت. تحقیق و علم و خدمت به فرهنگ ایران تعطیل بردار نیست.

همچنین قزوینی نسبت به زبان فارسی غیرت و تعصب زیادی داشت و نگران سرنوشت زبان فارسی بود. برای او اهمیت فراوانی داشت که زبان فارسی، سالم و درست نوشته شود. او یکی از عشاق، شیفتگان و دلباختگان زبان فارسی بود. قزوینی همچنین بسیار ایران‌دوست بود. استاد احمد مهدوی فرمود که قزوینی در بستر مرگ از او خواست قصیده بحتری شاعر عرب را در مدح فضل و بزرگواری و سالاری ایران بخواند. قزوینی عاشق ایران بود. آن همه عمر و توش و توان که صرف پژوهش در تاریخ و ادبیات و فرهنگ ایران کرد، از عشق سوزانش به ایران نشأت می‌گرفت. قزوینی این همه کار کرد که دین خود را به ایران ادا کند.

منبع: خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)